

# The Perfectionism Approach of Constitutional Law System of Islamic Republic of Iran to Good Life

*Omid Shirzad<sup>1</sup>*

1. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Law, Political Sciences and History, Yazd University, Yazd, Iran.  
Email: shirzad@yazd.ac.ir

## A B S T R A C T

Good life including Human's believes to ends that define the conception of good matters in life and make available virtually basis for life. This conception of good life isn't material, on the contrary is created from mental layers of person and directs his life such a holy believe. Religion, ethics, culture, art and aesthetic experiences are topics that define the conceptions of the good life for the people. The question of this paper is analyzing the perfectionism approach of constitutional law system of Islamic Republic of Iran to good life and with study the perfectionism and neutrality approaches, is proved the perfectionism approach of constitutional law system of Islamic Republic of Iran to good life in statutory and structural levels .The author with respectful view to virtually life for citizen, believes the necessity of adjusted perfectionism in constitutional law system and



deduction forcible methods for propagation the good.

**Keywords:** Neutrality, Right, Constitutional law of Iran, Good life, Perfectionism.

**Funding:** The author(s) received no financial support (funding, grants, and sponsorship) for the research, authorship, and/or publication of this article.

**Author contributions:**

Omid Shirzad: Supervision, Project administration, Formal analysis, Investigation, Resources, Data Curation, Writing - Original Draft, Writing - Review & Editing, Methodology.

**Competing interests:** The authors declare that they have no competing interests.

**Citation:**

Shirzad, Omid. "The Perfectionism Approach of Constitutional Law System of Islamic Republic of Iran to Good Life" *Journal of Legal Research* 22, no. 55 (December 6, 2023): 283-308.

## **Extended Abstract**

Special features and needs of human, always places him at the line of planning and pursuance a conception of the good and each person according to his or her talents and demands, choices one model of the good life and grants value to his or her life. Good life including human's believes to ends that define the conception of good matters in life and make available virtually basis for life. This conception of good life isn't material, on the contrary is created from mental layers of person and directs his life such a holy believe. Religion, ethics, culture, art and aesthetic experiences are topics that define the conceptions of the good life for the people.

In spite of all , the necessity of social life and the role of social contexts and structures like state in human life, causes that assessment the role of state in discretion citizen's good life, become a mental disturbance for thinkers. In this matter, Perfectionism is an important approach in the history of moral and political thoughts that based on it's insight to human and his identity and with the aim of propagation of virtue, point out state's responsibility about the good and It's training role and this paper want to analysis this approach and elucidate It's relationship with Islamic republic of Iran's constitutional law system.

In other words, the question of this paper is analyzing the perfectionist approach of constitutional law system of Islamic Republic of Iran to good life and with study the perfectionism and neutrality approaches, is proved the perfectionist approach of constitutional law system of Islamic Republic of Iran to good life in statutory and structural levels .Also the effects of this issue on citizenship rights, management of public resources and foreign policy have been analyzed. By comparative analysis between classical Greek, liberal, socialist and religious perfectionism, the author considers the approach of the Iranian legal system to good life as religious perfectionism and believes the weakness of government's pure perfectionism and neutrality towards good life.

The result of the article confirms that constitution of the Islamic Republic of Iran, with the aim of resolving disputes and the effects of pure perfectionism on public rights and resources, specifies some republic indicators that require the attention of public agents and institutions.

In other words the result of paper indicated that perfectionism approach emphasis on the government's duty about propagation and spreading good ethical and cultural conceptions and based on virtue ethics, wants to promote the human excellence and define the superior conception of the good for him. Thus with my researches and analysis, the perfectionist approach of Iran's constitutional system was confirmed. Religious structure of Iran's government that has manifested in the numerous sections of constitution, indicate constitution legislator anxiety

about the citizen's good life. Iran's constitutional system attempted to recognize good religious, ethical and cultural conceptions through an external source (Islam commandments) and propagation them by compulsory and non-compulsory capabilities of state.

The author with apply critical analysis to pure perfectionism, pointed out contradiction between absolute and pure perfectionism and some values of public law and has carried to account - replace convincing policy with compulsion the conceptions of the good and respect to non-governmental organizations activities - as a useful method to overthrow the bad effects of absolute perfectionism like pretense to observe governmental conceptions and prevalence the harshness and social instability .The author with respectful view to virtually life for citizen, believes the necessity of adjusted perfectionism in constitutional law system and deduction forcible methods for propagation the good.

# رویکرد کمال‌گرایانه نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران به زندگی مطلوب

امید شیرزاد<sup>۱</sup>

۱. استادیار، گروه حقوق، دانشکده حقوق، علوم سیاسی و تاریخ، دانشگاه یزد، ایران.  
Email: shirzad@yazd.ac.ir

## چکیده:

زندگی مطلوب شامل باور انسان به غاییات و اهدافی است که تلقی او از امور با ارزش زندگی را مشخص کرده و بستر معنابخشی برای حیات وی فراهم می‌آورد. این برداشت از خیر یا زندگی مطلوب نه تنها ماذی نبوده؛ بلکه عمیقاً از درون لایه‌های ذهنی فرد نشأت گرفته و همچون باوری مقدس به زندگی او جهت می‌دهد. دین، اخلاق، فرهنگ، هنر و تجربیات زیبایی‌شناختی از جمله حوزه‌هایی هستند که می‌توانند برداشت‌های زندگی مطلوب را برای افراد جامعه تعریف کنند. تحقیق حاضر با هدف پاسخ به این سؤال که رویکرد نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران به زندگی مطلوب شهروند چیست و این رویکرد چه تأثیری بر مناسبات شهروند و حکومت دارد؟ به رشتۀ تحریر درآمده و بدین منظور پس از بررسی رویکردهای کمال‌گرای و بی‌طرف نظام‌های حقوق اساسی، به اثبات رویکرد کمال‌گرایانه نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران در سطوح هنجاری و ساختاری پرداخته و آثار این موضوع بر حقوق شهروندی، نحوه مدیریت منابع عمومی

|               |                               |
|---------------|-------------------------------|
|               | <b>پژوهشکده حقوق</b>          |
|               | جمهوری اسلامی ایران           |
| نوع مقاله:    | پژوهشی                        |
| DOI:          | 10.48300/JLR.2022.331117.1975 |
| تاریخ دریافت: | ۱۴۰۰ اسفند ۲۰                 |
| تاریخ پذیرش:  | ۱۴۰۱ اردیبهشت ۲۶              |
| تاریخ انتشار: | ۱۴۰۲ آذر ۱۵                   |

## کی‌رایت و مجوز دسترسی آزاد:



کی‌رایت مقاله در مجله پژوهش‌های حقوقی نزد نویسنده (ها) حفظ می‌شود. کلیه مقالاتی که در مجله پژوهش‌های حقوقی منتشر می‌شوند با دسترسی آزاد هستند. مقالات تحت سازمان مجتمع نویسندگان (CC-BY-NC) مجوز Non-Commercial License 4.0 منتشر می‌شوند. کاملاً این مقاله از این سازمان مجوز است. این مقاله از این سازمان مجوز است. این مقاله از این سازمان مجوز است.



و سیاست‌ورزی خارجی را تحلیل نموده است. با انجام تحلیل مقایسه‌ای میان کمال‌گرایی کلاسیک یونانی، لیبرال، جامعه‌گرا و دینی، نگارنده رویکرد نظام حقوق اساسی ایران به زندگی مطلوب را کمال‌گرایی دینی تلقی کرده و قائل به کاستی کمال‌گرایی و بی‌طرفی محض حکومت نسبت به خیر است. رهیافت مقاله مؤید آن است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با هدف رفع مناقشات و آثار کمال‌گرایی محض بر حق‌ها و منابع عمومی، به برخی شاخص‌های جمهوری‌مابآنة تصریح دارد که مستلزم اهتمام و توجه عملی کارگزاران و نهادهای عمومی است.

### کلیدواژه‌ها:

بی‌طرفی، حق، حقوق اساسی ایران، زندگی مطلوب، کمال‌گرایی.

#### حامی مالی:

این مقاله هیچ حامی مالی ندارد.

#### مشارکت نویسنده‌گان:

امید شیرزاد: نظارت، مدیریت پروژه، تحلیل، تحقیق و بررسی، منابع، نظارت بر داده‌ها، نوشت‌ن - پیش‌نویس اصلی، نوشت‌ن - بررسی و ویرایش.

#### تعارض منافع:

بنابر اظهار نویسنده‌گان این مقاله تعارض منافع ندارد.

#### استناددهی:

شیرزاد، امید. «رویکرد کمال‌گرایانه نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران به زندگی مطلوب». مجله پژوهش‌های حقوقی، ۲۲، ش. ۵۵ (۱۴۰۲): ۲۸۳-۳۰۸.

## مقدمه

ویژگی‌ها و نیازهای پیچیده بشر وی را همواره در مسیر پی‌ریزی و طراحی الگویی خاص برای زندگی قرار می‌دهد و هر فرد حسب ظرفیت‌ها، استعدادها و مطلوب خویش، از برداشت‌ها و تلقی‌های خاصی از «خیر» پیروی کرده و به زندگی اش معنا می‌بخشد. برداشت‌های خیر<sup>۱</sup> یا برداشت‌های زندگی مطلوب<sup>۲</sup>، آن دسته از اهداف، افعال و روابط انسانی را که در نهایت ارزش خواستن دارند مشخص می‌کنند. این «برداشت از خیر» یا «زندگی مطلوب» نه تنها مادی نبوده، بلکه عمیقاً از درون لایه‌های ذهنی فرد نشأت گرفته و همچون باوری مقدس به زندگی او جهت می‌دهد. دین، اخلاق، فرهنگ، هنر و تجربیات زیبایی‌شناختی<sup>۳</sup> از جمله حوزه‌هایی هستند که می‌توانند برداشت‌های زندگی مطلوب را برای افراد جامعه تعریف کنند. به زعم جان راولز<sup>۴</sup> فلسفه معاصر: «برداشتی از امر خیر، خانواده بسامانی از غایات و اهداف نهایی است که برداشت یک شخص از امور با ارزش در زندگی بشری یا زندگی کاملاً ارزشمند را شخص می‌کند».<sup>۵</sup>

دروزه کارکردهای دولت، یکی از مسائل محل بحث، نسبت نهاد دولت با مقوله «خیر» یا «زندگی مطلوب» و سنجش حدود صلاحیت دولت در تعیین الگوی خیر شهروند است. از مهم‌ترین زوایای تحول دولت در عرصه نظر و عمل، تحولات کارکردی است و مطالعه تاریخ اندیشه‌های اخلاقی و سیاسی دوران پیشامدرن و مدرن مؤید آن است که علاوه بر مسائلی چون نظریه حاکمیت، خاستگاه، مشروعيت و ساختار دولت، تحلیل «کارکرد» این نهاد نیز همواره از موضوعات مدنظر اندیشه‌ورزان سیاسی بوده است.<sup>۶</sup> در این باره مسأله نیازمند تحلیل آن است که آیا دولت علاوه بر ایفای کارویژه‌های خود در تأمین نظم عمومی و ارائه خدمات عمومی، در تعیین سبک زندگی مطلوب شهروند نیز صلاحیت دارد؟ نوع پاسخ به این سؤال، تأثیر عمیقی بر نظام حقوق اساسی و چگونگی تنظیم قدرت دولت و تضمین حق‌ها دارد و همین امر، مؤید ضرورت تحقیق پیرامون این موضوع است. بر این اساس سؤال تحقیق از این

1. Conceptions of the good

2. Conceptions of the good life

۳. ذوق، پسند، سلیقه و علاقه فردی به پیکربندی و آرایش معینی از رنگ‌ها، نغمه‌ها، فضاها و پدیده‌ها را می‌توان در حوزه تجربیات زیبایی‌شناختی افراد قلمداد کرد.

4 . John Rawls (1921-2002)

۵. جان راولز، عدالت به مثابه انصاف، یک بازنگویی، ترجمه عرفان ثابتی (تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۹۲)، ۴۶.

۶. حسین رحمت‌الهی، تحول قدرت، دولت و حاکمیت از سپیده‌دمان تاریخ تا عصر جهانی شدن (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۸).

.۷۲-۷۰

قرار است: رویکرد نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران به زندگی مطلوب شهروند چیست و این رویکرد، چه تأثیری بر مناسبات شهروند و حکومت دارد؟

از حیث پیشینهٔ مستقیم تحقیق، منابع محدود و البته ارزشمندی وجود دارد و در متن مقاله نیز به آنها ارجاع شده است و نوآوری پژوهش حاضر، تکمیل ادبیات قبلی و نسبت‌سنجی قضیه با نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران است. برای پاسخ به سؤال تحقیق، مقاله با روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای، در دو بخش کلی سازمان یافته است. در بخش اول، رویکردهای کمال‌گرایانه و بی‌طرفانه نظام‌های حقوق اساسی به زندگی مطلوب محل تحلیل و بررسی واقع می‌شوند و در بخش دوم، ابتدا رویکرد کمال‌گرایانه نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران در سطوح هنجاری و ساختاری اثبات شده است و آثار این موضوع بر حقوقی شهروندی و منابع عمومی بررسی می‌گردد.

## ۱- رویکردهای نظام حقوق اساسی به زندگی مطلوب

حقوق اساسی به عنوان مجموعه قواعد نوشته و نانوشته حاکم بر اکتساب، إعمال و انتقال قدرت سیاسی و نظام تنظیم‌کننده قدرت و تضمین‌کننده آزادی، دو رویکرد کمال‌گرا و بی‌طرف به زندگی مطلوب شهروندان دارد. در ادامه اختصاراً به تحلیل و بررسی هر یک خواهیم پرداخت.

### ۱-۱- رویکرد کمال‌گرایی

یکی از رهیافت‌های دارای پیشینهٔ عمیق در تاریخ اندیشه‌های اخلاقی- سیاسی، رویکرد «کمال‌گرایی<sup>۷</sup>» است که بر اساس نگاه خاص خود به انسان و هویت وی و با هدف اشاعه فضیلت، رسالت دولت در قبال خیر و نقش تربیتی آن را خاطرنشان می‌سازد. در ادامه به تحلیل این رویکرد می‌پردازیم.

#### ۱-۱-۱- مفهوم‌شناسی

دولت کمال‌گرا ظرفیت شهروند در تشخیص گزاره‌های اخلاقی و زندگی مطلوب را زیر سؤال برد و یا حداقل، توانایی فرد در تشخیص خیر را، نافی مسؤولیت دولت در این زمینه نمی‌داند و بر نقش نهادهای جمعی به‌ویژه دولت در تعیین الگوی خیر (زندگی خوب) تأکید می‌ورزد. از این نظر، برترین فعل سیاسی، هادی یا حکومت، آن است که کمال تمام انسان‌ها را بیشتر ارتقا بخشد.<sup>۸</sup> بنابراین طبق رویکرد کمال‌گرایی، مقامات سیاسی باید در ایجاد و صیانت از شرایط اجتماعی‌ای که به بهترین نحو، اتباع آنها را در حرکت به

7. Perfectionism Approach

8. Thomas Hurka, *Perfectionism* (New York, Oxford University press, 1993), 147

سوی زندگی ارزشمند و ارزنده توانا می‌سازند، نقشی فعال بر عهده گیرند.<sup>۹</sup>

آموزهٔ تقدّم خیر (امر خوب<sup>۱۰</sup>) بر حق (امر درست<sup>۱۱</sup>)، شالودهٔ نظری کمال گرایی است. رویکرد کمال گرا تقدّم خیر بر حق را با هدف «تریبیت انسان خوب» ارائه می‌دهد و معتقد به ضرورت تأسیس نظام سیاسی - حقوقی بر مبنای تلقّی خاصی از زندگی مطلوب، جهت پیشبرد خیری ویژه است. «اولویت خیر بر حق به معنی فرض پذیرش مفاهیم معین حُسن و خیر از سوی افراد جامعه در جنبه‌های فردی و اجتماعی است. بر این بنیان ممکن است افراد به اشتراک و اجماع در انتخاب محاسن و الگوهای معین زندگی برسند؛ محاسنی که آنان را به کمال مطلوب و سعادت واقعی می‌رساند». <sup>۱۲</sup> لازم به ذکر است تفکیک حق (امر درست) از خیر (امر خوب)، از شاخص‌های تفکر مدرن کانتی به شمار رفته و منجر به پیامدی مهم در فلسفه حق شده است. بر این اساس، حق بودن<sup>۱۳</sup> از حق داشتن<sup>۱۴</sup> تفکیک سعی می‌شود و طبق آن آدمیان حق دارند؛ اگرچه بر حق نباشند.<sup>۱۵</sup> به دیگر سخن در این تفکیک سعی می‌شود از ادعایی تحت عنوان «حق» صرف‌نظر از محتوای آن و داوری‌های اخلاقی- ارزشی حمایت شود؛ این در حالی است که اساساً در تفکر پیشامدرا و سنت‌مدار، این تفکیک مورد شناسایی واقع نشده است و حق از الگویی خاص از خیر نشأت می‌گیرد و نمی‌تواند برخلاف آن إعمال و استیفا شود.

## ۱-۲- رویکردهای کمال گرایی

برخلاف اقسام کمال گرایی که نوع ابزارها و اقدامات دولت در پیشبرد اهداف کمال گرایانه را موضوع خود قرار می‌دهد و به دو نوع قهقهی (استفاده دولت از ابزارهایی همچون نظام تعقیب و کیفر و مجازات) و غیرقهقهی (استفاده دولت از ابزارهای مالی و مالیاتی، رسانه‌ای و تبلیغاتی در تزریق الگوی خاص خیر به شهروند) تقسیم می‌شود، رویکردهای کمال گرایی، معطوف به دکترین‌ها و قرائت‌های گوناگونی است که از جانب متفکران کمال گرا ارائه شده است. در ادامه به آنها پرداخته خواهد شد.

9. Steven Wall, *Liberalism, perfectionism and restraint* (New York: Cambridge University press, 1998), 8.

10. The Good.

11. The Right

۱۲. علی محمودی، درخشش دموکراسی، تأملی در اخلاق سیاسی، دین و دموکراسی لیبرال (تهران: نشر نگاه معاصر، ۱۳۹۳)، ۱۲۰.

.۱۱۶

13. To be right

14. To have right

۱۵. محمد راسخ، درس گفتارهای فلسفه حق و فلسفه حقوق عمومی (تهران: انتشارات خانه اندیشمندان علوم انسانی، ۱۳۹۴)، ۱۵۰.

### ۱-۲-۱- کمال‌گرایی کلاسیک یونانی

ردپای کمال‌گرایی و انگاشتن رسالت تربیتی برای دولت را می‌توان در اندیشهٔ فلاسفهٔ یونان باستان یافت. ارسطو، بهزیستی و نه صرف زیستن را هدف جامعهٔ سیاسی قلمداد می‌نمود و سعادت را در کسب فضایل می‌دانست.<sup>۱۶</sup> وی نیز مانند افلاطون دولت را قبل از هر چیز به مثابهٔ ابزاری برای بهبود و تکامل اخلاقی و معنوی انسان می‌داند.<sup>۱۷</sup> نگاه جمع‌گرایانهٔ این دو فیلسوف موجب شده است تا شهروند را در تشخیص فردی خیر عاجز تلقی کنند. به زعم افلاطون، حکومت ناصالحان، معلول ناکارآمدی نظام تعلیم و تربیت جوامع است و شاه - فیلسوف که فضیلت کافی برای فرمانروایی جامعه دارد، می‌باید از طریق نظارت، آموزش، ادبیات و موسیقی که طُرق پرورش روح هستند را مورد بازبینی قرار داده و با رهیافتی اقتدارگرایانه، مانع تشخیص آزادانهٔ اتباع در مورد «خیر» گردد.<sup>۱۸</sup>

### ۱-۲-۲- کمال‌گرایی لیبرال

دیگر رویکرد موجود در اندیشه‌های کمال‌گرا، کمال‌گرایی لیبرال است که علی‌رغم اعتقاد به ضرورت دخالت دولت در تعیین گزینه‌های خیر، ارزش‌ها و سبک لیبرالی زندگی مطلوب را محور مباحث خود قرار می‌دهد. کمال‌گرایان لیبرال بر آن هستند تا با ارائهٔ قرائت‌های متمایز از الگوهای افلاطونی، دغدغهٔ بی‌طرفگرایان در باب استبداد دولت و تحديد آزادی‌های فردی را چاره کنند.<sup>۱۹</sup> طبق این رویکرد، دولت باید برای همهٔ شهروندان فرصتی برابر فراهم کند تا در پی تحقیق خیر ایده آل خود باشند. جوزف رز<sup>۲۰</sup> به عنوان نمایندهٔ شاخص این رویکرد، بی‌طرفی حقیقی دولت را زمانی می‌داند که دولت برای شهروندان، شرایط فرصت‌های برابر جهت انتخاب هر مفهوم از خیر را با انتظاری برابر در تحقیق آن، پدید آورد.<sup>۲۱</sup> «طبق نظر رز، دولت لیبرالی وظیفه دارد درگیر سیاست‌هایی شود که هدفشان بهبود و پیشرفت کیفیت اخلاقی زندگی شهروندانش است. به این معنا، لیبرال کمال‌خواه با افلاطون در مورد نقش دولت همنظر است؛ اما برخلاف افلاطون، لیبرال کمال‌خواه معتقد است کمال انسانی بستگی اساسی به

۱۶. ارسطو، سیاست، ترجمهٔ حمید عنایت (تهران: شرکت سهامی انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱)، ۳۱۰-۳۱۲.

۱۷. سوناریک لیدمان، تاریخ عقاید سیاسی، ترجمهٔ سعید مقدم (تهران: نشر اختران، ۱۳۸۱)، ۴۶.

۱۸. افلاطون، جمهوری، ترجمهٔ محمدحسن لطفی (تهران: چاپ نشرخوشه، ۱۳۵۳)، ۱۴۳-۱۴۴.

19. George Klosko & Steven Wall (editors), *Perfectionism and Neutrality: Essays in Liberal Theory* (Rowman & Littlefield publishers, 2003), 17.

20. Joseph Raz (1939)

21. Joseph Raz, *The morality of freedom* (Oxford: Clarendon prees, 1986), 124.

خدماتی دارد. رز این اندیشه را به جدل می‌گیرد که لازمه خودمختاری این است که حکومت‌ها از تشویق «زندگی خوب و خیر» برای شهروندان پرهیز کنند و این اندیشه را هم رد می‌کند که کثرت‌گرایی جامعه‌مدنی را فقط با حکومتی می‌توان حفظ کرد که عمل سیاسی‌اش را اساساً محدود کند. نه، به عکس رز معتقد است که لازمه خودمختاری انسانی، نوع خاصی از زندگی جمعی است که خلق این نوع زندگی، وظيفة اصلی حکومت لیبرالی است<sup>۳۲</sup>. بنابراین رویکرد کمال‌گرایی لیبرال در عین تعهد به ارزش کلیدی لیبرالیسم یعنی «اختیار»، از کمال‌گرایی دولت دفاع می‌کند. این رویکرد بر این باور است که «عمل کمال‌گرا الزاماً عمل یک گروه علیه گروه دیگر نیست و عمل سیاسی کمال‌گرامی تواند از جانب کل جامعه حمایت شود. رز چنین مطرح می‌کند که یک عمل سیاسی کمال‌گرا، می‌تواند با تشویق و تسهیل برخی از منش‌های اخلاقی و ایجاد دلسردی نسبت به منش‌های دیگر صورت پذیرد. او نتیجه می‌گیرد که ضد کمال‌گرایی<sup>۳۳</sup> در عمل صرفاً به پرهیز از مفاهیم ارزشمند خیر منجر نمی‌شود؛ بلکه امکان بقای بسیاری از وجود درخشان فرنگ ما را مختل می‌کند». <sup>۳۴</sup> برخلاف ادبیات کلاسیک لیبرالیسم که اختیار و خودمختاری فرد را با عدم دخالت دولت گره می‌زند، رز معتقد است که آزادی انتخاب، مبتنی بر تعدد گزینه‌های اخلاقاً قابل قبول است و متولی عملیاتی شدن این گزینه‌ها و حذف گزینه‌های اخلاقاً نادرست و شر، دولت و سایر زمینه‌های اجتماعی است. در واقع صرف اتکای به عقلانیت و اراده آزاد فاعل اخلاقی در «خودآئین» انگاشتن وی کفایت نمی‌کند و این در دسترس بودن دامنه کافی از گزینه‌های خیر است که انسان را قادر به تحقق همه ظرفیت‌ها و استعدادهای انسانی می‌سازد.<sup>۳۵</sup>

### ۱-۲-۳- کمال‌گرایی جامعه‌گرا

دهه‌های پایانی سده بیستم شاهد تکاپوی معرفتی شماری از متفکران غربی جامعه‌گرا بود که به منظور نقد اخلاق لیبرالی و سردمداران آن یعنی کانت و راولز، پروژه احیای اخلاق فضیلت را کلید زدند و بر وابستگی‌ها و تعلقات جمعی انسان و نه ترجیحات شخصی او در تشخیص حُسن و قبح امور تأکید ورزیدند. برخلاف هجمه‌های قرن نوزدهم عليه لیبرالیسم که از مارکس الهام می‌پذیرفت و بیشتر بر آزادی اقتصادی و سرمایه‌داری متمرکز بود، انتقادات جامعه‌گرایانه نیمة دوم قرن بیستم، با الهام از

۲۲. جین همپتن، فلسفه سیاسی، ترجمه خشایار دیهیمی (تهران: انتشارات طرح نو، ۱۳۸۰)، ۳۰۸.  
23. Anti-perfectionism

۲۴. علیرضا حسینی بهشتی، بنیاد نظری سیاست در جوامع چندفرهنگی (تهران: انتشارات بقעה، ۱۳۸۰)، ۲۳۱.  
25. Raz, op.cit., 415-417.

ارسطو و هگل، اخلاق سیاسی مدرن را هدف قرار می‌دهد و در نقد لیبرالیسم، بر اهمیت جماعت تأکید می‌ورزد.<sup>۲۶</sup> این مکتب نوفضیلت‌گرا که به «جماعت‌گرایی»<sup>۲۷</sup> («جامعه‌گرایی») شهره است، کلید حل معضلات اخلاق و سیاست لیبرالی را بازگشت به الگوی کمال‌گرای یونان باستان و تقدّم بخشیدن به هویت‌های گروهی و جمعی دانسته و با انتقاد از نگاه فرگرایی افراطی و جامعه‌ستیز لیبرالیسم به انسان و هویت او، سرشت آدمی را گره خورده به غایات اجتماعی-محلی-دینی-خانوادگی وی ترسیم می‌کند. در واقع مدعای اصلی کمال‌گرایان جامعه‌گرایی این است که چون هویت انسان مربوط به نقش‌های اجتماعی است که به عنوان عضو جماعتی خاص به عهده گرفته است، آنچه برای وی خوب است، نه مسأله‌ای مربوط به انتخاب فرد، بلکه بیشتر مربوط به کارکرد جماعت‌هایی است که فرد به آنها تع‌لّق دارد.<sup>۲۸</sup> به زعم جماعت‌گرایان، بی‌طرفی ارزشی عملاً در هیچ سیستم مدیریت کلان اجتماعی که دائمًا نیازمند برآورد، تصمیم‌سازی و داوری بین نگرش‌های متنوع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است، اتفاق نمی‌افتد.<sup>۲۹</sup> جماعت‌گرایی با رد ایده مارکسیستی که می‌گوید خیر هر فرد در توان مشترک وی با انسان‌های دیگر نهفته است و ایده لیبرالی که خیر را با اراده مطلق فردی گره می‌زند-زنگی مطلوب را به أعمال فرهنگی مشترک ما با سایر اعضای جامعه وابسته می‌داند. از این نظر، نقاط مشترک ما با اطرافیان خود به حدی است که یک دولت کمال‌گرایی با حُسن نیت بتواند با توشّل به بصیرت و تجربه دیگران به مجموعه معقولی از اعتقادات شهروندان خود در خصوص خیر نائل شود.<sup>۳۰</sup> بنابراین، بدون آنکه بخواهیم مدعی رابطه این‌همانی میان «جماعت‌گرایی» و «کمال‌گرایی» شویم، به نظر می‌رسد ایده‌ها و آموزه‌های جماعت‌گرایان با نقد و رد بی‌طرفی حکومت در قبال خیر به سمت دفاع از کمال‌گرایی و نقش نهادهای جمعی در تعریف فضیلت برای انسان حرکت کرده است.<sup>۳۱</sup>

۲۶. صادق حقیقت، «نقد موجه‌ای جماعت‌گرایی به لیبرالیسم»، *فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی* (۱۳۹۹)، ۱۱، ۳.

.۷۳

## 27. Communitarianism

۲۸. حسین رحمت‌الهی و امید شیرزاد، کمال‌گرایی و بی‌طرفی و آثار آن در ساختار قدرت و حقوق عمومی (تهران: انتشارات مجده، ۱۳۹۸)، ۳۱.

۲۹. علی اصغر کاظمی و حسن بوزهرانی، «بازسازی مناظره لیبرال‌ها و جماعت‌گرایان بر مبنای انتقادات سندل بر لیبرال دموکراتی»، *فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات سیاسی*، ۲، ۹ (۱۳۸۹)، ۷.

۳۰. ویل کیمیلیکا، «جماعت‌گرایی»، ترجمه فرهاد مشتاق صفت، *فصلنامه قیسات* ۵۶ (۱۳۷۶)، ۱۱۶.

۳۱. امید شیرزاد، «جماعت‌گرایی و حقوق عمومی؛ نسبت‌سنجی و تحلیل»، *فصلنامه علمی-پژوهشی تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی* (۱۳۹۹)، ۸۹، ۳۸۵.

## ۱-۱-۲-۴- کمال‌گرایی دینی

در شمار رویکردهای یاد شده از کمال‌گرایی دینی نیز می‌توان نام برد. دین از مهم‌ترین حوزه‌های مرتبط با زندگی خوب و معروف غایات و اهداف مطلوب آدمی است. اساساً معنابخشی به زندگی و تعیین طرح کلان زیست اخلاقی فرد، در درجه اول در باورهای دینی وی قابل بازیابی است و در مراحل بعدی می‌توان هنر یا فعالیت‌های فرهنگی را متنضم‌نمود که مدعی قابلیت اعمال بر گستره وسیعی از موضوعات باید برداشت‌هایی فراگیر و عام از خیر تلقی نمود که مدعی انتخاذ راهبردهای کمال‌گرایانه و الزام شهروندان به می‌باشند و از این نظر، دین، محملي مناسب برای اتخاذ راهبردهای کمال‌گرایانه و الزام شهروندان به رعایت الگوهای ارزشی دینی است و تجلی عینی این نگاه را می‌توان در دولتهای دینی یافت. دولتهای دینی در پرتو انتظارات حداکثری از آئینی خاص، اشاعه الگوی دینی را در دستور کار خویش قرار داده و خاستگاه راستین و حقیقی بهزیستی را نه اراده مستقل شهروند، بلکه آموزه‌های دینی می‌دانند. نقش دین یا ایدئولوژی در دولتهای حداکثری کاملاً باز و آشکار است، زیرا هم در انگیزه‌های رفتان به سوی قدرت، هم در مبانی برپادارنده دولت، هم در ملاک‌های شایستگی برای سپردن مسؤولیت، هم در تنظیم امور و تدبیر سیاست‌های خود و کلان و هم در تعقیب غایات مورد انتظار تجلی پیدا می‌کند.<sup>۳۲</sup> دولت در رویکرد کمال‌گرایی دینی، با اعتقاد به حقانیت مطلق الگوی خیر دینی و نقصان ذاتی دیگر گزینه‌های خیر، قرائت رسمی خود از دین را یگانه برداشت صحیح از زندگی خوب دانسته و بدین ترتیب اهداف کمال‌گرای خود را پیش می‌برد.

## ۱-۲- رویکرد بی‌طرفی

ایده بی‌طرفی، حاصل نظریه پردازی شماری از نویسندهای لیبرال معاصر همچون جان راولز<sup>۳۳</sup> و رونالد دورکین<sup>۳۴</sup> است؛ با این حال از میراثی غنی برخوردار بوده و تبار آن را باید در اندیشه‌های اخلاقی و سیاسی فلسفه عصر روشنگری چون جان لاک، کانت و استوارت میل<sup>۳۵</sup> یافت. طبق ایده بی‌طرفی، دولت باید در قبال تلقی‌های شهروندان از زندگی سعادتمدانه بی‌طرف بماند و نباید هیچ برداشت خاصی از خیر را بر دیگر برداشت‌ها رجحان دهد. بینش بی‌طرفانه معتقد است که اخلاق سیاسی باید معطوف به حق<sup>۳۶</sup>

. ۳۲. علیرضا شجاعی‌زند، دین در زمانه و زمینه مدرن (تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۴، ۱۰۸).

33. John Rawls (1921-2002)

34. Ronald Dworkin (1931-2013)

35. John Stuart Mill

36. The Right

باشد و تصمیم‌گیری درباره خیر را به افراد واگذار کند؛ چرا که ترجیح یک تلقی بر سایر تلقی‌ها - چه به علت اعتقاد دولت به برتری ذاتی یک برداشت و چه به دلیل پشتیبانی اکثریت جامعه از آن برداشت و چه به انگیزه دولت برای اشاعه زندگی مطلوب و خیرخواهی - ناقض آزادی فردی و برابری میان شهروندان است. در رویکرد بی‌طرفی، نقش حکومت، پاسداری از توانایی افراد برای داوری برای خودشان درباره با ارزشی برداشت‌های گوناگون از زندگی خوب و فراهم‌آوری توزیع منصفانه حقوق و منابع است تا افراد را توانایی‌بی‌جویی برداشت‌شان از خیر کند.<sup>۳۷</sup>

ازنظر بی‌طرفگرایان، برای نیل به زندگی مطلوب به دو پیش‌شرط نیازمندیم: اول اینکه هدایت زندگی‌ما از درون و منطبق با اعتقادات‌مان در مورد اموری باشد که به زندگی ارزش می‌دهد. لذا افراد باید منابع و آزادی‌های لازم برای پیشبرد زندگی هماهنگ با باورهایشان در باب ارزش‌ها را - بدون واهمه از تبعیض و مجازات - در اختیار داشته باشند. پیش‌شرط دوم این است که ما در زیر سؤال بردن آن باورها و آزمودن آنها در پرتو هر نوع داده، نمونه یا بحث‌هایی که فرهنگ‌مان می‌تواند فراهم کند، آزاد باشیم.<sup>۳۸</sup> بی‌طرفگرایان بر این باورند که قضاوت در باب شاخص‌های زندگی مطلوب و غایات (امر خوب)، موضوعی است که می‌باید از طریق ارزیابی‌های فردی و یا تکاپوی جوامع مدنی پیگیری شود؛ حال آنکه حکومت در مدیریت جامعه سیاسی تنها در سطح حق (امر درست)، می‌تواند بایدها و نبایدهایی (حقوق و تکالیفی) را برای تنظیم روابط اجتماعی شهروندان دارای برداشت‌های متناسب از خیر، مقرر کند.

## ۲- رویکرد کمال‌گرایانه نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران به زندگی مطلوب

حقوق اساسی به عنوان نظام حقوقی حاکم بر حکمرانی حکومت با هدف تنظیم قدرت و تضمین حق‌های ملت، پیشینه‌ای دیرین در تاریخ ایران زمین نداشته و نقطه‌عطف تحرّکات آزادی‌خواهانه و استبداد سنتی‌زانه ملت ایران را باید در نهضت مشروطه، تشکیل مجلس مؤسسان و تدوین قانون اساسی مشروطه در ۱۲۸۵ شمسی دانست؛ اما انحراف مشروطیت از موازین مطلوب ملت و عدم تحقق واقعی نظام سلطنت مشروطه، دخالت روزافرون بیگانگان، سرکوب نهضت ضداستعماری ملی شدن صنعت

۳۷. ویل کیملیکا، درآمدی بر فلسفه سیاسی معاصر، ترجمه میثم بادامچی و محمد مبادری (تهران: نشر نگاه معاصر، ۱۳۹۶، ۳۰۲).

38. Will Kymlicka, *Multicultural citizenship, A liberal Theory of Minority Rights* (New York: Oxford University press, 1995), 81.

نفت، راهبرد قهری نظام پهلوی در مُدرنیزاسیون ایران، روشنگری‌های امام خمینی و عوامل تاریخی دیگر که شرح آنها در این مقاله نمی‌گنجد، موجب وقوع انقلاب اسلامی، سقوط رژیم پهلوی دوم در بهمن ۱۳۵۷ و تأسیس نظام جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر قانون اساسی آذماه ۱۳۵۸ گردید. شخصیت دینی رهبری انقلاب و نقش تعیین‌کننده ایشان در تکوین نظام سیاسی، مطالبات بخش قابل توجهی از مردم و شاکله فقهی مجلس برسی نهایی قانون اساسی، جهت‌گیری نظام نوپا را به سمت تأسیس دولتی دینی معطوف کرد و فرآیند اکتساب، اعمال و انتقال قدرت سیاسی را بر محور انباطق وعدم مغایرت با موازین مذهب امامیه استوار ساخت. در عین حال برای رعایت الزامات جمهوریت، اثکای اداره امور عمومی به آرای مردم<sup>۳۹</sup>، حقوق ملت<sup>۴۰</sup>، نظارت بر دولت<sup>۴۱</sup> و پاسخگویی آن - البته در چهارچوب مقتضیات مذهب رسمی کشور - مورد شناسایی قانون اساسی ۱۳۵۸ به عنوان سند مادر نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت. با توجه به رسمیت مذهب شیعه اثنی عشری<sup>۴۲</sup> و حاکمیت موازین این مذهب بر عموم قوانین و مقررات<sup>۴۳</sup>، می‌توان دولت جمهوری اسلامی ایران را دولتی شریعت‌گرا قلمداد نمود که موازین شرع و الگوی زندگی مطلوب شرعی، هسته مرکزی نظام سیاسی - حقوقی را تشکیل داده است. این بینش با برقراری وحدت میان اخلاق و سیاست، عمل سیاسی را در چهارچوب «هدایت» تعریف می‌کند که در آن عامل سیاسی با به کارگیری زمینه و ظرفیت‌های حکومت، برای یافتن شیوه‌های نفوذ در اندیشه و عمل انسان و هدایت آنها به سمت خصال معنوی و تعالی اخلاقی تلاش می‌کند و با ترغیب جامعه، زمینه فضیلت‌مندی آنها را فراهم می‌کند.<sup>۴۴</sup> با این نگاه به سیاست، نظام حقوق اساسی در ساماندهی حقوقی و سیاسی امور عمومی باید شرایطی را فراهم کند تا همان‌گونه که نظم وامنیت و بهداشت و رفاه و ... فراهم می‌گردد، رشد اخلاقی و ارزشی نیز به وجود آید و جامعه به طور همه‌جانبه و در راستای تمامی اهداف دنیوی و اخروی پیشرفت نماید.<sup>۴۵</sup> در مقام نسبت‌سنگی نظام

۳۹. اصل ششم قانون اساسی.

۴۰. فرازهای از اصل سوم، اصل نهم و اصول نوزدهم الی چهل و دوم قانون اساسی.

۴۱. اصول هفتاد و ششم الی نودم، یکصد و یازده، یکصد و هفتاد، یکصد و هفتاد و سوم و یکصد و هفتاد و چهارم قانون اساسی.

۴۲. اصل دوازدهم: دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی الأبد غیر قابل تغییر است ...

۴۳. اصل چهارم قانون اساسی.

۴۴. روح الله شاطری، مسؤولیت اخلاقی حکومت دینی (قم: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۲)، ۱۰۲ -

.۱۰۴

۴۵. فاطمه فقیهی، اخلاق و حقوق اساسی، نگاهی بر جایگاه اخلاق در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران (تهران:

حقوق اساسی ایران با رویکردهای کمال‌گرایی مذکور در بخش نخست مقاله (کمال‌گرایی کلاسیک؛ لیبرال؛ جامعه‌گرایی دینی)، باید رویکرد نظام حقوق اساسی ایران به زندگی مطلوب را کمال‌گرایی دینی تلقی کرد. بر این اساس، مجلس مؤسسان در سال ۱۳۵۸، مبتنی بر انتظار حداکثری از دین، تأکید بر احکام اجتماعی و عمومی اسلام و اسلام سیاسی (ضرورتِ تشکیل حکومت بر اساس شریعت)، قانون اساسی را با جهت‌گیری کمال‌گرایانه دینی تصویب نمود و رسالت اصلی حکومت را تربیت شهروند و اشاعه اخلاق دینی، برشمرد. در ادامه در سطوح هنجاری و ساختاری، به اثبات این موضوع در نظام حقوق اساسی ایران خواهیم پرداخت و سپس آثار اتخاذ رویکرد کمال‌گرایی دینی بر حقوق شهروندی؛ نحوه مدیریت منابع عمومی و سیاست ورزی خارجی را تحلیل می‌نماییم.

## ۱-۲- رویکرد کمال‌گرایانه حقوق اساسی ایران در سطح هنجاری

حقوق اساسی هنجاری، متکفّل کنکاش پیرامون نظام منابع یا هنجارهای مرجع در حقوق اساسی است<sup>۴۶</sup> و در این بخش تلاش می‌شود از طریق مطالعات هنجاری در سطوح قانون اساسی، قوانین عادی و مقررات دولتی، رویکرد کمال‌گرای نظام حقوق اساسی ایران را تبیین نماییم.

### ۱-۱- مقدمه قانون اساسی

در قوانین اساسی مدون در کنار متن اصلی، معمولاً مقدمه یا اعلامیه‌ای نیز وجود دارد که شامل اصول کلی، اهداف و آرمان‌های است که الهام‌بخش قانون‌گذار عادی است. هدف مقدمه و یا اعلامیه حقوق، اعلام ایدئولوژی، فلسفه سیاسی دولت و برداشت او از جامعه، انسان و حقوق و آزادی‌هایش می‌باشد.<sup>۴۷</sup> مقدمه قانون اساسی در ابتدای امر، رویکرد کمال‌گرایانه نظام و الگوی خیراسلامی را بایان رسالت قانون اساسی خاطرنشان می‌سازد. بر این اساس، «حکومت از دیدگاه اسلام، برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه‌گری فردی یا گروهی نیست؛ بلکه تبلور آرمان سیاسی ملتی هم‌کیش و هم‌فکر است که به خود سازمان می‌دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی، راه خود را به سوی هدف نهایی (حرکت به سوی الله) پگشاید ... چون هدف از حکومت، رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است (و الى الله المصير)...»

.۱۷۴. انتشارات مجد، (۱۳۹۴).

.۴۶. علی اکبر گرجی، در تکاپوی حقوق اساسی (تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۸۸)، ۱۱.

.۴۷. محمدجواد صفار، حقوق اساسی: آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بعد از اصلاحات استادی، (۱۳۸۸)، ۱۱.

## ۲-۱-۲- مسؤولیت دولت در رشد فضای اخلاقی

بندیکم اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با عطف توجه ویژه به زندگی مطلوب شهروندان، ایجاد محیط مساعد برای رشد فضای اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاہر فساد و تباہی را در «رأس» وظایف دولت اسلامی قرار داده است. در راستای مسؤولیت دولت در اعتلالی فضای اخلاقی، سالم‌سازی محیط و تزکیه نفوس، برخی حقوق دانان سیاست‌های خاصی را لازم دانسته‌اند؛ از جمله: تدوین و ارائه برنامه‌های جامع و مستغنى فرهنگی و هدایت مستمر به ارزش‌های اخلاقی اسلام و تدوین قوانین جزایی مناسب و تعقیب و مجازات عناصرِ فاسد‌الأخلاق.<sup>۴۸</sup>

## ۳-۱-۲- امر به معروف و نهی از منکر

قانون اساسی به واسطهٔ جهت‌گیری و بنیان‌های دینی خود و پیرو اذعان به مسؤولیت دولت در رشد فضای اخلاقی، از آموزهٔ اسلامی «امر به معروف و نهی از منکر» نیز بهره جسته و در اصل هشتم، دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر را از سازکارهای مهم نیل به جامعهٔ مطلوب اسلامی، رشد فضای اخلاقی و طرد مفاسد قلمداد کرده است. دقّت نظر در آموزهٔ امر به معروف و نهی از منکر، به روشنی گواه صبغهٔ کمال‌گرای آن است که با اعتقاد به حقانیت مطلق سبک خاصی از زندگی، برداشت‌های مخالفِ این الگو را مذموم و سزاوار نهی دانسته و دولت را در اشاعهٔ و پیشبرد برداشت‌های موافق الگوی اسلامی، امر قلمداد می‌کند. اهمیت موضوع در نظر برخی نمایندگان مجلس بررسی قانون اساسی تا حدی بوده که از ضرورتِ تأسیس وزارت‌خانهٔ امر به معروف و نهی از منکر نیز یاد شده است.<sup>۴۹</sup>

## ۴-۱-۲- قوانین عادی و مقررات دولتی

قوانين عادی مصوب پارلمان و مقررات مصوب قوهٔ مجریه، از دیگر منابع و هنجارهای قابل مطالعه در نظام‌های حقوق اساسی محسوب می‌شوند.<sup>۵۰</sup> در سطح قوانین عادی و بیان قاعده‌ای کلان در باب رویکرد کمال‌گرای نظام، بند «ز» مادهٔ هشتم قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ قابل اشاره است. این حکم قانونی معطوف به بیان امور حاکمیتی، ترویج اخلاق، فرهنگ و مبانی اسلامی را در شمار امور حاکمیتی قلمداد نموده و همچون قانون گذاری، استقرار نظم و امنیت، دفاع ملی و اداره

۴۸. محمد‌هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. جلد اول (تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۵)، ۲۷۴-۲۷۵.

۴۹. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ۱۳۶۴، ۴۱۰.

۵۰. بیژن عباسی، «کنکاشی در منابع حقوق اساسی»، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۴۰، (۳) ۱۳۸۹، ۲۵۲-۲۵۵.

امور قضایی، دولت را متنولی انجام آن قرار داده است. به علاوه نظری کوتاه بر برخی مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و آینین نامه‌های هیأت وزیران مؤید آن است که نهادهای یادشده پیرو رسالت‌های کلی مذکور در قانون اساسی، مترصد اشاعه فرهنگ اسلامی بوده و در حوزه نمادها، مضامین و نشانه‌ها، پوشش، نحوه گذران اوقات فراغت، فعالیت‌های تبلیغاتی، فرهنگی، هنرهای نمایشی، موسیقی‌ای و آموزشی، دغدغه خاطر ویژه‌ای نسبت به صیانت از الگوی خیر اسلامی و ترویج الگوی باسته فرهنگی - هنری دارند. رویکرد نظام اسلامی در حوزه‌های یاد شده بین کمالگرایی قهری و غیرقهری در نوسان است و مواردی چون تعطیلی مراکز فرهنگی و لغو مجوز تا اختصاص منابع به فعالیت‌های فرهنگی ارزشمند را دربرمی‌گیرد.<sup>۵۱</sup>

## ۵۱. برای مثال می‌توان به قوانین و مقررات زیر اشاره داشت:

- قانون ساماندهی مد و لباس مصوب ۱۳۸۵/۱۰/۱۲.
- آینین نامه اماکن عمومی مصوب ۱۳۶۳/۳/۲۲ هیأت وزیران.
- آینین نامه نظارت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بر فعالیت‌های فرهنگی، هنری و تبلیغاتی خارجیان مقیم ایران مصوب ۱۳۶۸/۴/۱۰.
- آینین نامه ترویج و توسعه فرهنگ نماز مصوب ۱۳۷۵/۱۲/۱ هیأت وزیران.
- آینین نامه ساماندهی، بهسازی و عمران مساجد کشور مصوب ۱۳۸۶/۴/۸ هیأت وزیران.
- سیاست‌های هنرهای نمایشی مصوب ۱۳۷۸/۱۱/۲۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- سیاست‌های مقابله با تهاجم فرهنگی مصوب ۱۳۷۸/۱۲/۲۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- سیاست‌های بهبود وضع گذران اوقات فراغت زنان و دختران مصوب ۱۳۸۱/۱۲/۲۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- سیاست‌های توزیع و نمایش فیلم‌های سینمایی و مواد سمعی و بصری خارجی مصوب ۱۳۸۴/۷/۲۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- ضوابط نظارت بر نمایش و صدور پروانه مصوب ۱۳۷۹/۲/۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- مصوبه حفظ حدود و آداب اسلامی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی مصوب جلسات تابستان سال ۱۳۶۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- مصوبه «هدایت، ارشاد و احیای نقش واقعی و تبلیغی مساجد برای مقابله با تهاجم فرهنگی» مصوب ۱۳۷۱/۱۲/۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- اساسنامه فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۷/۱۲/۲۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- آینین نامه نحوه نظارت بر نشانه‌ها و تصاویر روی البسه و لوازم التحریر و کالاهای مشابه مصوب ۱۳۷۹/۱۲/۱۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- مصوبه مبانی، اصول و الزامات پیاده‌سازی برنامه جامع سبک زندگی اسلامی - ایرانی مصوب ۱۴۰۱/۸/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- سند تحول شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوب ۱۴۰۱/۹/۳۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی.

## ۲-۲- رویکرد کمال‌گرایانه حقوق اساسی ایران در سطح ساختاری

استقرار نهایی و پایدار قدرت سیاسی، مستلزم خروج آن از حالت شخصی و نهادینه شدن است و رسالت کلاسیک حقوق اساسی، نهادبندی قدرت و سازماندهی آن در قالب ساختارها و نهادهای سیاسی بوده است. «در مسیر نهادی کردن قدرت، حقوق هم سازمان‌های قدرتمند را مشخص می‌کند و هم قدرت را بین نهادهای مختلف توزیع می‌نماید».<sup>۵۱</sup> تحلیل ساختاری -نهادی، امری گریزنای‌پذیر در مطالعات حقوق اساسی به شمار می‌رود و در بخش حاضر تلاش می‌کنیم نهادهایی که نظام حقوق اساسی ایران برای پیشبرد غایاتِ کمال‌گرای خود تأسیس نموده را بررسی کنیم.

### ۱-۲-۱- ولایت فقیه

یکی از ویژگی‌های فلسفه سیاسی مدرن، گذار از سؤال «چه کسی حکومت کند؟» به مسئله «چگونه حکومت کردن؟» است.<sup>۵۲</sup> و در نظام‌های بی‌طرف، مسئله کلیدی حقوق دانان عمومی و فلاسفه سیاسی، تبیین روش‌های حکمرانی مطلوب است. در مقابل، دغدغه خاطر رویکردهای کمال‌گرا، مسئله شخص حاکم و صلاحیت‌های فردی وی برای هدایت اتباع است. در این رویکرد با نگاه قدسی و غیرعرفی به قدرت، تعیین غایت برای حرکت انسان و بیان ارزش‌های متعالی برای زندگی وی، بدون نظام اجرائی و رهبران آشنا به آن غایات میسر نیست؛ بنابراین نتیجه کمال‌گرایی، اعتقاد به دولتمرد فاضل و فرهمند است. ارسطو در این باره بیان می‌دارد: «تأمین فضیلت هر کشور، نه کاربخت، بلکه حاصل داش و مملکت‌داری است. فضیلت هر کشور وابسته به آن است که افرادی که در حکومت شرکت دارند، دارای فضیلت باشند».<sup>۵۳</sup> نظام حقوق اساسی ایران به عنوان دولتی مقید به مذهب امامیه، زندگی فضیلت‌مند شهروندان خود را در چهارچوب الگوی خیر اسلامی دنبال می‌کند و برای تحقق این امر، نیازمند نهادی برتر برای وضع تصمیمات مقتضی، مدیریت کلان کشور، نظارت بر حُسن اجرای الزامات شرعی در قوای حکومتی و تضمین عدم انحرافِ دستگاه‌های مختلف از وظایف اصیل اسلامی است. بدین منظور قانون گذار اساسی، زمینه تحقیق رهبری فقهی جامع الشّرایطی را از طریق تعیین خبرگانِ منتخب مردم فراهم آورده است و در اصل پنجاه و هفتم، نهاد ولایت مطلقه فقهی را مورد شناسایی قرار داده است. در

.۵۲. ابوالفضل قاضی، بایسته‌های حقوق اساسی (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۷)، ۲۶.

.۵۳. کارل پوپر، درس این قرن، همراه با دو گفتار درباره آزادی و حکومت دموکراتیک، ترجمه علی‌پایا (تهران: انتشارات طرح نو، ۱۳۷۶)، ۱۱۹-۱۱۵.

.۵۴. ارسطو، پیشین، ۳۱۲.

نظام حقوق اساسی ایران، منابع فقه شیعه در این باره نقش کلیدی ایفا نموده است و علاوه بر ارائه ادله نقلی و روایی مربوط به نیابت عام فقها از جانب پیامبر و موصومین (ع) در عصر غیبت، در رویکردی عقلی، فقها را در صورت جمع شرایط، برگزیده‌ترین افراد برای زمامداری جامعه اسلامی در نظر می‌گیرند.

## ۲-۲-۲- شورای عالی انقلاب فرهنگی

صلاحیت نهادسازی ولی‌فقیه به استناد صیانت از مصالح جامعه، یکی از آثار متربّب بر نظریه ولایت مطلقهٔ فقیه در اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی است. ولایت انتسابی مطلقهٔ فقیه منتبّب به اندیشهٔ فقیهی امام خمینی، نظریه‌ای است که مستند به عناوین ثانویهٔ فقیهی به‌خصوص عنوان «مصلحت نظام»، قائل به وسعت اختیارات حاکم اسلامی در مقام ادارهٔ جامعه اسلامی است.<sup>۵۵</sup> در تاریخ سیاسی جمهوری اسلامی ایران، در مواردی حکم حکومتی ولی‌فقیه منشأ تأسیس نهادهای خاص در ساختار حکومت بوده است. از جمله این نهادها، می‌توان به شورای عالی انقلاب فرهنگی اشاره داشت. مصوبه سند تحول شورای عالی انقلاب فرهنگی ابلاغ شده در تاریخ ۱۴۰۱/۹/۳۰، این نهاد را به عنوان مرجع عالی سیاستگذاری، تعیین خط مشی، تصمیم‌گیری و هماهنگی و هدایت امور آموزشی، فرهنگی و پژوهشی کشور محسوب نموده و تصمیمات و مصوبات آن را به مثابه سندی بالادستی لازم‌الأجرا دانسته است. در مصوبهٔ یادشده، تزکیهٔ محیط‌های علمی و فرهنگی از افکار ماذی و نفی مظاہر و آثار غرب‌زدگی از فضای فرهنگی جامعه، تحول دانشگاه‌ها، مدارس و مراکز فرهنگی و هنری بر اساس فرهنگ صحیح اسلامی، از اهداف شورای عالی انقلاب فرهنگی بر شمرده شده و مؤید رویکرد کمال‌گرای نظام حقوق اساسی ایران به مقولات فرهنگ، هنر و آموزش عمومی است. در پایان می‌توان به ساختارها و نهادهای دیگری همچون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی<sup>۵۶</sup> اشاره داشت.

## ۳-۲- تحلیل آثار کمال‌گرایی نظام حقوق اساسی ایران

پس از اثبات رویکرد کمال‌گرایانه نظام حقوق اساسی ایران به زندگی مطلوب در سطوح ساختاری و هنجاری، به تحلیل آثار این امر بر حقوق شهروندی؛ نحوه مدیریت منابع عمومی و سیاست‌ورزی خارجی

۵۵. محمدجواد ارسطا، نگاهی به مبانی تحلیلی نظام جمهوری اسلامی ایران (قم: نشر بوستان کتاب، ۱۳۸۹)، ۳۶-۵۶.  
۵۶. در این راستا «قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مصوب ۱۲/۱۲/۱۳۶۵» در مقام بیان اهداف این نهاد، به رشد فضائل اخلاقی بر اساس ایمان و تقو، مصنوبیت جامعه از نفوذ فرهنگ اجانب، رواج فرهنگ و هنر اسلامی، گسترش مناسبات فرهنگی با ملل و اقوام مختلف به‌خصوص مسلمانان و مستضعفان جهان و فراهم آمدن زمینه‌های وحدت میان مسلمین اشاره دارد.

می‌پردازیم.

### ۱-۳-۲ - حقوق شهروندی

شهروند به دلیل عضویت در یک واحد سیاسی به نام دولت، دارای حقوق و تکالیفی است که مجموع آنها را حقوق شهروندی می‌نامند و ارتباط نزدیکی با مفهوم «ملیت» دارد.<sup>۵۷</sup> در مطالعات حقوق اساسی مدرن، حق‌ها و آزادی‌های شهروندی مقوله‌ای حائز اهمیت به شمار می‌روند و اتخاذ رویکردهای بنیادین کمال‌گرایانه یا بی‌طرفانه توسط قانون اساسی، تأثیر مستقیمی بر این موضوع بر جای خواهد گذاشت. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با توجه به نگرش خاص خود به مفاهیم انسان، حق و آزادی و اتخاذ رویکرد کمال‌گرایانه دینی، نگاهی متفاوت به حقوق شهروندی نسبت به نظام‌های بی‌طرف دارد. از این جهت، ضمن اعتراف به حق‌های شهروندی، در پرتو ضرورت کمال انسانی و تعیت انسان از اراده الهی، قلمرو و حدود حق‌های شهروندی را به موازین اسلامی محدود نموده است. به دیگر سخن، در تحديد حدود حق‌ها و آزادی‌های اساسی، علاوه بر قید عدم اضرار به غیر و سلب حقوق دیگران، قید عدم مخالفتِ اعمال حق با الگوی مطلوب دولت کمال‌گرا، مورد شناسایی نظام حقوقی قرار گرفته است. از این جهت در فصل سوم قانون اساسی (حقوق ملت) قانون‌گذار در ترسیم مرزهای حق‌ها و آزادی‌های شهروندی، به عدم مغایرت استیفادی حق با موازین اسلامی صحنه نهاده است.<sup>۵۸</sup>

بعلاوه برداشت قانون‌گذار اساسی از مفاهیم حق و آزادی، برداشتی کمال‌گرایانه است که وفق آن، آزادی نه در معنای آزادی‌های منفی (نبود موانع و دخالت‌های بیرونی از ناحیه جامعه و دولت)، بلکه در قالب گزاره «آزادی تؤام با مسؤولیت او در برابر خدا»<sup>۵۹</sup> مورد شناسایی قرار گرفته است. در رابطه با مفهوم حق نیز، قانون‌گذار اساسی همچون نظام‌های بی‌طرف قائل به تفکیک محض «حق داشتن» از «حق بودن» نیست و وفق نگرش اسلامی خود، در برخی فرازها و اصول خود، حق داشتن شهروند را، منوط به حق بودن‌وی از حیث انطباق با الگوی رسمی از خیر و زندگی مطلوب نموده است.<sup>۶۰</sup> «در حقوق اسلام، حق داشتن یا نداشتن اشخاص در برخی از امور، بر اساس روا بودن یا نبودن آن امور در نظر گرفته شده

۵۷. حسن خسروی، حقوق اساسی ۳ (تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۹۷)، ۷.

۵۸. اصول ۲۰، ۲۴، ۲۶ و ۲۸ قانون اساسی.

۵۹. بند ششم اصل دوم قانون اساسی.

۶۰. برای مثال می‌توان به اصل ۱۱۵ و ضرورت احراز شرط ایمان و اعتقاد به مذهب رسمی کشور توسط نامزد انتخابات ریاست جمهوری اشاره داشت که وفق آن، حق بر انتخاب شدن، تابع حق بودن نامزد از حیث ارزشی و دینی است.

است. برای مثال نظامهای حقوقی زمانی که واقعیت تکوینی میان زن و مرد و آفرینش متقابل این دو برای یکدیگر را در نظر می‌گیرند، حق ازدواج را به رسمیت می‌شناسند. داشتن حق ازدواج مرد با مرد و زن با زن، مبتنی بر روانبودن یا «حق نبودن» و عدم شایستگی و سزاواری چنین ازدواجی است. زمانی که نظام تکوین، خط بطلان بر چنین رابطه‌ای کشیده است، نظام حقوقی که نظامی اعتباری است نیز، «حق داشتن یا نداشتن» چنین رابطه‌ای را، مطابق با آن جعل می‌کند. ممنوعیت چنین اقدامی به دلیل «حق نبودن» آن است. ممنوعیت آعمالی از این دست، رابطه «حق بودن» و «حق داشتن» را اثبات می‌کند.<sup>۶۱</sup> بنابراین اتخاذ رویکرد کمال‌گرایانه توسط رژیم حقوق اساسی، بر حدود استحقاق افراد نسبت به حق‌ها و قلمرو استیفای حق‌ها، تأثیرگذار است.

### ۲-۳-۲- مدیریت منابع عمومی

ایفای کارکردهای دولت هزینه دربردارد و هزینه عمومی، بهای خدمات و کالاهایی است که دولت برای انجام فعالیتهای خود متحمل می‌شود. دولتها برای تأمین این هزینه‌ها از منابع درآمدی خود و در درجهٔ اول، از مالیات شهروندان استفاده می‌کنند؛ بنابراین نسبت تنگاتنگی میان مالیات و گسترۀ کارکردهای دولت وجود دارد. در دولتهای کمال‌گرا، رسالت تربیتی دولت نسبت به شهروند، مستلزم اندیشیدن تمهیدات مقتضی و تخصیص منابع است و از این جهت، موضوع مدیریت منابع و اعتبارات عمومی، اهمیتی مضاعف می‌یابد. با توجه به اینکه بی‌طرف‌گرایان، افزایش هزینه‌های عمومی دولت را ازجمله آثار اتخاذ سیاست‌های کمال‌گرایانه تلقی می‌کنند<sup>۶۲</sup>، نظامهای کمال‌گرا باید با برنامه‌ریزی مالی و بودجه‌ای مطلوب و علمی؛ حذف موادی کاری‌های نهادی و اجرایی و ارزیابی عملکرد دقیق نهادها و کارآمدی آنها، آسیب‌های احتمالی ناشی از این امر را به حداقل رسانند و منابع عمومی محدود را به نحو مطلوب و بهینه، به نیازهای عمومی، اهداف دولت و قانون اساسی کمال‌گرا، اختصاص دهند.

### ۲-۳-۳- سیاست‌ورزی خارجی

بینش کمال‌گرایی قانون‌گذار اساسی در حوزهٔ روابط بین‌الملل و تعامل با سایر دولتهای نیز به چشم می‌خورد

۶۱. حسین جوان آراسته، حقوق بشر در اسلام (قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۸)، ۱۴-۱۳.

۶۲. ازنظر راولز : اصول عدالت، پرداخت یارانه به دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های علمی، یا اپرا و تئاتر را به این دلیل که این نهادها ذاتاً ارزشمندند و کسانی که در آنها وارد می‌شوند باید حتی به بهای تحمیل هزینه به دیگران که مقرزی‌های ترمیمی [جبرانی] دریافت نمی‌کنند، پشتیبانی شوند روا نمی‌دارند (جان راولز، نظریه عدالت، ترجمه سید محمد کمال سورویان و مرتضی بحرانی (تهران: نشر پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۷)، ۴۹۶-۴۹۷).

و متأثر از فضای انقلابی سال ۱۳۵۸ شمسی و مفاهیم و آموزه‌های اسلامی همچون «امت»، پلیرای تعمیم‌الگوی خیر اسلامی به سایر جنبش‌های خارجی است. «بر اساس اندیشه اسلامی، امت، تشکیل شده از انسان‌های هم‌فکر و هم‌عقیده‌ای است که بر اساس عقیده و آرمان مشترک، سازمان سیاسی و نظام مشترکی را پذیرفته‌اند. اتحاد و یکپارچگی خصلتی تفکیک‌نایبزیر از مفهوم امت است».۶۳ طبق مقدمه قانون اساسی و اصل یازدهم<sup>۶۴</sup>، این سند با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود، زمینه تداوم این انقلاب را به‌ویژه در گسترش روابط بین‌المللی با دیگر جنبش‌های اسلامی در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند و می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند؛ بنابراین حسب مستندات مورد اشاره، می‌توان شماری از سیاست‌های کلان خارجی نظام جمهوری اسلامی ایران را متأثر از رویکرد کمال‌گرایانه قانون اساسی دانست.

### نتیجه‌گیری

در مقام پاسخ به سؤال تحقیق، باید رویکرد نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران به زندگی مطلوب شهروند را «کمال‌گرایانه دینی» انگاشت که آثار اتخاذ این رویکرد بر حق‌های شهروندی، نحوه مدیریت منابع عمومی و سیاست‌ورزی خارجی بررسی گردید. با بررسی‌های انجام شده این رهیافت حاصل می‌شود که پذیرش کمال‌گرایی محض (همچون الگوی کلاسیک یونانی) و نیز بی‌طرفی محض، با مناقشات و کاستی‌هایی مواجه است.

در باب آسیب‌های کمال‌گرایی محض، می‌توان اقتدارگرایی حکومت، ترجیح حداکثری نظم بر حق، تحدید خودآئینی فردی، نقض حقوق اقلیت‌ها، رواجِ رذیلت اخلاقی ریا و تظاهر با هدف جلب مواهی دولتی و افزایش هزینه‌های عمومی را برشمرد. در باب آسیب‌های بی‌طرفی محض - همان‌گونه که جماعت‌گرایان معاصر غربی متذکر می‌شوند - محوریت‌بخشی به اراده انسان در تشخیص حُسن و قبح امور و حق مطلق‌وی در انتخاب الگوی خیر، به اضمحلال جماعت و تعلقات جمعی افراد انجامیده است و معضلات اخلاقی و گسترش برخی ناهمجایی‌های اجتماعی را در پی دارد. پیشنهاد آنان برای رفع این مشکلات، احیای اخلاق فضیلت و برقراری گفت‌وگوی عمومی در باب زندگی خوب از طریق

۶۳. عباسعلی عمیدزنجانی، فقه سیاسی جلد اول (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۳)، ۲۳۹.

۶۴. اصل یازدهم به حکم آیه کریمه «ان هذه امتكم امة واحده و انا ربكم فاعبدون» همه مسلمانان یک امت‌اند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد.

نهادهای سیاسی است.

در کشور ما بر اساس مطالبات تاریخی ملت در صدر انقلاب اسلامی جهت اسلامی‌سازی نظام سیاسی - حقوقی و نیز ترکیب غالباً فقیه مجلس مؤسسان منتخب مردم در سال ۵۸، قانون اساسی با رویکرد «کمال‌گرایی دینی» تنظیم گردید و در آذر ۵۸ به تأیید آراء عمومی رسید و ملت با نقش تربیتی و مرتبی گونه حکومت و اشاعه بایسته‌های زندگی مطلوب توسط این نهاد بر اساس دین و مذهب رسمی کشور موافقت نمودند. بر این اساس، اکثریت ملت ایران با ابراز اعتقاد دیرینه به موازین شرع مقدس و نقش آن در اعتلا اخلاقی و زیست فضیلت‌مند، دین اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری را به عنوان منبع بنیادین زندگی مطلوب و خیر، برگزیدند. این رویکرد کمال‌گرایانه دینی، بین روش‌های قهری و غیرقهری در نوسان است و از جرمانگاری و مواجهه کیفری با برخی رفتارها ( فعل‌ها و ترک فعل‌های) شهروند تا تخصیص منابع به برخی نهادها یا رفتارهای منطبق با قرائت نظام حقوق اساسی از زندگی مطلوب را در برمی‌گیرد.

در عین حال، نگارنده قائل به ضرورت انسداد مسیر کمال‌گرایی به اقتدارگرایی است و تحقق این هدف را، مستلزم توجه بیش از پیش ارکان حکومت به شاخص‌های جمهوری‌ماهیانه قانون اساسی می‌داند. به دیگر سخن، قانون‌گذار اساسی نسبت به آسیب‌های کمال‌گرایی محض واقف بوده و با اذعان به ضرورت محو هرگونه استبداد و خودکامگی، مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، تساوی عموم در برابر قانون (اصل سوم)، انتکای اداره امور عمومی به آراء عمومی (اصل ۶)، احترام به آزادی‌های مشروع (اصل ۹ و فصل سوم)، حقوق اقلیت‌های دینی (اصول ۱۳، ۱۲، ۱۴)، همه‌پرسی تقنینی و رجوع به آراء عمومی در قانون‌گذاری عادی پیرامون مسائل بسیار مهم (اصل ۵۹) و ....، به ارزش‌های حقوق عمومی و فلسفه سیاسی همچون آزادی و برابری و حاکمیت ملی اهتمام ورزیده است. در راستای ظرفیت‌های مردم‌سالار قانون اساسی و ضرورتِ عنایت مضاعف به آنها در مقام عمل، پیشنهاد می‌شود حکومت راهبرد کمال‌گرای خود را به سمت وسوی گزینه‌هایی همچون گسترش آموزش دولتی، افزایش سرانه مطالعه عمومی از طریق تقویت مراکز فرهنگی، احداث پارک‌های عمومی، احیای بناهای تاریخی و سوق دادن مردم به سمت تقدیرات سالم و کم‌هزینه همچون ورزش همگانی هدایت کند و از این طریق، زمینه تعامل بیشتر دولت و ملت را فراهم سازد.

## فهرست منابع

- (الف) منابع فارسی
- ارسطا، محمدجواد. نگاهی به مبانی تحلیلی نظام جمهوری اسلامی ایران. قم: نشر بستان کتاب، ۱۳۸۹.
  - ارسسطو. سیاست. ترجمهٔ حمید عنایت. تهران: شرکت سهامی انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱.
  - افلاطون. جمهوری. ترجمهٔ محمدحسن لطفی. تهران: چاپ نشر خوش، ۱۳۵۳.
  - پوپر، کارل. درس این قرن، همراه با دو گفتار دربارهٔ آزادی و حکومت دموکراتیک. ترجمهٔ علی پایا. تهران: انتشارات طرح نو، ۱۳۷۶.
  - جوان آراسته، حسین. حقوق بشر در اسلام. قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۸.
  - حسینی بهشتی، علیرضا. بنیاد نظری سیاست در جوامع چندفرهنگی. تهران: انتشارات بقעה، ۱۳۸۰.
  - حقیقت، صادق. «نقد موج‌های جماعت‌گرایی به لیرالیسم». *فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*. ۱۱، Doi : 10.29252/piaj.2020.99926. ۷۱-۹۴ (۱۳۹۹)۳.
  - خسروی، حسن. حقوق اساسی ۳. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۹۷.
  - راسخ، محمد. درس‌گفتارهای فلسفهٔ حق و فلسفهٔ حقوق عمومی. تهران: انتشارات خانهٔ اندیشمندان علوم انسانی، ۱۳۹۴.
  - راولز، جان، (۱۳۸۷)، نظریهٔ عدالت، ترجمهٔ سیدمحمدکمال سوریان و مرتضی بحرانی، تهران، نشر پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
  - راولز، جان. عدالت به مثابهٔ انصاف، یک بازگویی، ترجمهٔ عرفان ثابتی، تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۹۲.
  - رحمت‌الهی، حسین. تحول قدرت، دولت و حاکمیت از سپیده‌دمان تاریخ تا عصر جهانی شدن. تهران: نشر میزان، ۱۳۸۸.
  - رحمت‌الهی، حسین و امید شیرزاد. کمال‌گرایی و بی‌طرفی و آثار آن در ساختار قدرت و حقوق عمومی. تهران: انتشارات مجده، ۱۳۹۸.
  - شاطری، روح‌الله. مسؤولیت اخلاقی حکومت دینی. قم: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۲.
  - شجاعی‌زند، علیرضا. دین در زمانه و زمینهٔ مدرن. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۴.
  - شیرزاد، امید. «جماعت‌گرایی و حقوق عمومی؛ نسبت‌ستجی و تحلیل». *فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات حقوقی* دانشگاه شهید بهشتی. ۱۳۹۹(۸۹)۳۷۱-۳۹۷.
  - صفار، محمدجواد. حقوق اساسی: آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بعد از اصلاحات. تهران: انتشارات استادی، ۱۳۸۸.
  - صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول و سوم. تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴.
  - عباسی، بیژن. «کنکاشی در منابع حقوق اساسی». *فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران* ۳(۴۰). ۲۶۰-۲۴۷ (۱۳۸۹)۴۰. ۱۳۸۹(۴۰).
  - عمیدزن‌جانی، عباسعلی. جلد اول. فقه سیاسی. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۳.
  - فقیهی، فاطمه. اخلاق و حقوق اساسی، نگاهی بر جایگاه اخلاق در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات مجده، ۱۳۹۴.
  - قاضی، ابوالفضل. بایسته‌های حقوق اساسی. تهران: نشر میزان، ۱۳۸۷.
  - کاظمی، علی اصغر و حسن بومهرانی. «بازارسازی مناظرهٔ لیبرال‌ها و جماعت‌گرایان بر مبنای انتقادات سندل بر لیبرال دموکراتی». *فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات سیاسی*. ۲، ۷ (۱۳۸۹)۱-۲۴.

- کیمیلیکا، ویل. «جماعت‌گرایی». ترجمه فرهاد مشتاق‌صفت. فصلنامه قبیسات ۵۶(۱۳۷۶): ۱۱۳-۱۳۹.
- کیمیلیکا، ویل. درآمدی بر فلسفه سیاسی معاصر. ترجمه میثم بادامچی و محمد مباشی. تهران: نشر نگاه معاصر، ۱۳۹۶.
- گرجی، علی‌اکبر. در تکاپوی حقوق اساسی. تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۸۸.
- لیدمان، سون اریک. تاریخ عقاید سیاسی. ترجمه سعید مقدم. تهران: نشر اختران، ۱۳۸۱.
- محمودی، علی. درخشش دموکراسی، تأملی در اخلاق سیاسی، دین و دموکراسی لیبرال. تهران: نشر نگاه معاصر، ۱۳۹۳.
- هاشمی، محمد. حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. جلد اول. تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۵.
- همپتن، جین. فلسفه سیاسی. ترجمه خشایار دیهیمی. تهران: انتشارات طرح نو، ۱۳۸۰.
- ب) منابع خارجی

- Hurka, Thomas. *Perfectionism*. New York: Oxford University press, 1993.
- Klosko, George & Steven Wall (editors). *Perfectionism and Neutrality: Essays in Liberal Theory*. 1<sup>st</sup> Ed. Rowman & Littlefield publishers, 2003.
- Kymlicka, Will. *Multicultural citizenship, A liberal Theory of Minority Rights*. New York, Oxford University press, 1995.
- Wall, Steven. *Liberalism, perfectionism and restraint*. New York: Cambridge University press, 1998.
- Raz, Joseph. *The morality of freedom*. 1<sup>st</sup> Ed. Oxford: Clarendon prees, 1986.